

آقای احمد شکیانی محترم

با سلام و تسلیت از این که سه در نوامبر سال ۲۰۰۰ از فتوحان سرحد حضرت ۴۵ ساله و نوزده ساله ایرانی عرب و
ارکانه نیادی به نسبت نگرانی که از راه افغانستان فیلیپی در مالکو بودند همه کردید و نسخه یا کپی آن را
برده من فرستادید.
احازه ببینید اینک یاد آورم که در همان سال شما بار تلفنی بنیاد کردید که از آلمان به لندن می‌باشد
و از زندگی شخصی من فیلم بردارید. با هم می‌گفتند که بیماری همیستم که در آنم و در آنم واقعتا کدم و
۳۳ روز در خانه ماندم آنکه آمدید و ما گفت و شنود می‌پوشی - اصحابی گویند که این بیماری همیستم و
اعتماد در میان من و فیلم را همیشه کردید و در آخر کار قول دادید پس از یک ماه دوباره گویی آنرا در اختیار من
بگذارید تا نظر خودم را بگویم و پس اگر لازم شود دیگران ببینند.

البته بخش مربوط به زندگی و درگذشت عبدالحمن نوشین را بدون رعایت حرارت انسان جدا
که مانند
از آن زمان بار و بار تلفنی از من خواستن کدم (البته پیام کسی بی پاسخ گذاشتم) که
فیلم را ببینید. تنها هفت ماه پیش یک بار حوضه کردم با خودتان حرف بزنم که باز قول
دادید فیلم را به مدت دو سه هفته خواهد فرستاد. آخر من تمایس من در ۲۸ اکتبر همین
سال بود که همسران گفتند با اعلام خواهد کرد و من هنوز منتظرم.

آقای شکیانی آذر عزیز، سه که می‌نویسند را با بنده اخلاق صادقانه می‌دانند با این
نظر براتفاق آید که هیچ کس حاضر نیست تمامی صفحه‌های زندگی خصوصی و اجتماعی خود را پیش از
کنترل و موافقت شخصی خود در اختیار دیگری یا دیگران بگذارد. بویژه زمانی که زندگی پر فراز و
فروندها مرتب در آن سرگردانند است.

لازم به یاد آوری است که سران من بیرون دهر داد بدیع باقی مانده می‌باشند و ادبیاتی را
گردآوری می‌کنند و امار دارند فیلیپی که سه از او تهیه کرده‌اید، حتما تا تمام و باره در اختیار
در دسته باشند و همتا از عکس آوستا - آخی که از باگیانی او برده‌استه آید بدون موافقت
آنها استفاده نشود.
خواستن می‌توانم حرمت و نظر آنان را برآورده کنید و هر چه زود با منجی بیدید.

شکرم
احمد شکیانی
زاده